مطالعات عرفانی (مجله علمی)
دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان
شمارهٔ سی‌ام، پاییز و زمستان ۹۸، ص۱۰۳ـ۱۳۲

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

نقد روش‌شناسی کتاب ارزش میراث صوفیه اثر عبدالحسین زرین‌کوب

رضا روحانی*
ندا سادات مصطفوی**

◄ چکیده

روش‌شناسی، نگرش علمی ـ انتقادی و تحلیلی نسبت به فرایند عمومی انجام یک تحقیق است که امروزه به‌عنوان یکی از اصولی‌ترین روش‌های نقد، در علوم انسانی به کار گرفته می‌شود. در این پژوهش، تلاش شده است که با این روش علمی، کتاب *ارزش میراث صوفیه* با رویکردی تحلیلی ـ انتقادی بررسی شود. این بررسی ذیل دو محور کلی «روش‌های پژوهشی» و «ویژگی‌های سبکی و شیوهٔ بیان» انجام گرفته است. شناسایی، تحلیل و نقد روش‌های اتخاذی عبدالحسین زرین‌کوب برای تحقیق و حقیقت‌یابی در این کتاب و همچنین نشان‌دادن غث و سمین کتاب مذکور از اهدافی است که نگارندگان را به انجام این ارزیابی واداشته است.

بر اساس بررسی‌های انجام‌گرفته، چنین نتیجه گرفته می‌شود که استفاده از روش‌های کارآمد در پژوهش و پردازش اطلاعات، نقد و ارزیابی منابع، تنوع منابع، پرهیز از تعصب، درج فهرست‌های موضوعی و کاربرد اسلوب استفهام از جمله ویژگی‌های قوت کتاب *ارزش میراث صوفیه* است و مواردی مانندِ ارائهٔ گزیدهٔ مراجع، ناهمسانی در روش ارجاع و کتاب‌نامه‌نویسی و همچنین استفاده از جملات بلند و بعضاً دارای ضعف تألیف از کاستی‌های این کتاب به شمار می‌آید که با درنظرگرفتن مجموع مباحث یادشده دربارهٔ نقاط قوت و ضعف این اثر، آنچه نهایتاً از این پژوهش حاضر، نتیجه می‌شود معرفی و شناسایی روش تحقیق عبدالحسین زرین‌کوب، به‌عنوان یک الگوی مناسب پژوهشی است که می‌تواند به‌عنوان معیاری برای عموم محققان، بویژه دانشجویان متون تاریخی ـ عرفانی، کارکردی راهبردی داشته باشد.

◄ کلیدواژه‌ها: **پژوهش‌های عرفانی، نقد تصوف، عبدالحسین زرین‌کوب، *ارزش میراث صوفیه*، قلمرو عرفان اسلامی.**

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول/ R.ruhani@kashanu.ac.ir
** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان/ mostafavisadat@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۱

۱. مقدمه

عبدالحسین زرین‌کوب، یکی از بزرگ‌ترین محققان معاصر است که تحقیقات و مطالعات وسیعی در حوزه‌های مختلف ادبیات، تاریخ، عرفان، ادیان، کلام و نقد ادبی انجام داده و آثار ارزشمند متعددی را تألیف و ترجمه کرده است. یکی از آثار این استاد، محقق و نویسندهٔ توانا و فقید معاصر در حوزهٔ عرفان‌پژوهی، کتابی ماندگار به نام *ارزش میراث صوفیه است*.

ارزش میراث صوفیه، چنان‌که نویسندهٔ کتاب در مقدمه آورده، جستجویی در تاریخ تصوف است که البته با کوشش برای ارزیابی میراث صوفیه نیز همراه شده و در آن سعی شده است که دورنمایی از دنیای صوفی و زشتی‌ها و زیبایی‌هایی که در آن هست، ترسیم گردد (نک: زرین‌کوب، ۱۳۷۷: مقدمه). زرین‌کوب در این اثر، توانسته است با بررسی تاریخی تصوف، رجوع به آثار و اندیشه‌های عارفان و صوفیان متقدم و همچنین بهره‌گیری از قدرت تحلیل و ادراک عالی خویش، اثری فاخر و مرجع را در حوزهٔ عرفان‌پژوهی از خود باقی بگذارد؛ به‌طوری که در طی حدود نیم قرن که از انتشار این کتاب می‌گذرد، همواره مورد توجه و استفادهٔ استادان و محققان عرفان‌پژوه قرار گرفته است.

کمتر تحقیق عرفانی را می‌توان در طی این سال‌ها یافت که این کتاب جزء منابع و مراجعش نباشد؛ همچنین بسیاری از استادان و مدرسان ادبیات و عرفان از این کتاب به‌عنوان متن درسی دانشگاهی استفاده می‌کنند که این‌همه، تأکیدی بر اهمیت و ارزش این کتاب است. ازاین‌رو، با نظر به اهمیت و جایگاه این کتاب، پرسش از علل اقبال محققان و دانشگاهیان به این کتاب، سؤالی اساسی است که می‌توان به آن از وجوه مختلفی چون شخصیت علمی نویسنده و شناخت عمیق او از عرفان و تصوف، گستردگی و جامعیت نسبی مسائل مطرح‌شده، محتوا و موضوع کتاب، سبک نویسندگی نویسنده، قضاوت‌های علمی و غیرمتعصبانهٔ او و البته روش تألیف و پژوهش و حقیقت‌یابی محقق پرداخت.

نگارندگان مقالهٔ حاضر معتقدند بررسی و نقد روش تحقیق عبدالحسین زرین‌کوب، یکی از جامع‌ترین و کاربردی‌ترین راه‌های رسیدن به پاسخ سؤال مطرح‌شده یعنی علل مقبولیت و مرجعیت *ارزش میراث صوفیه* و بسیاری دیگر از آثار زرین‌کوب است. با توجه به این مطلب، در نوشتار حاضر، روش‌شناسی *ارزش میراث صوفیه*، ذیل دو محور «روش‌های پژوهشی» و «ویژگی‌های سبکی و شیوهٔ بیانی» معرفی و نقد می‌شود؛ همچنین نقاط قوت و ضعف این اثر از حیث روشی بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد که درمجموع با درنظرگرفتن غث و سمین این اثر و نقدهای وارد به آن، آنچه در نهایت حاصل می‌شود، شناسایی و معرفی روش تحقیق و نگارش این استاد توانا، به‌عنوان روشی مناسب برای انجام پژوهش‌هایی در حوزه‌های تاریخی و به‌ویژه عرفان و ادبیات است، تا جایگزین شیوه‌های غیرعلمی و سلیقه‌ای شود.

۱ـ۱. اهداف و ضرورت تحقیق

روش‌شناسی، یکی از شاخه‌های نوین علمی است که در ادبیات و علوم انسانی مورد توجه قرار گرفته است و امروزه پرداختن به آن، یکی از ضرورت‌های علمی و دانشگاهی محسوب می‌شود؛ زیرا معرفی مفهوم درست پژوهش و روش‌های علمی پژوهش، موجب ارتقای اعتبار و سطح علمی پژوهش‌های دانشگاهی می‌گردد. از سوی دیگر، معرفی و نقد روش زرین‌کوب در کتاب *ارزش میراث صوفیه* یکی از اهداف نگارندگان این مقاله است تا به موجب آن، اعتبار و صحت و سقم نتایج تحقیقی یکی از منابع مهم تصوف‌پژوهی، معرفی و نقد و بررسی شود. افزون بر این، در این پژوهش با معرفی و روش‌شناسی سبک نگارش عبدالحسین زرین‌کوب، در کتاب *ارزش میراث صوفیه*، به محققان نوقلم و دانشجویان کمک می‌شود تا الگویی مناسب، علمی و کارآمد برای انجام تحقیق در پیش رو داشته باشند.

۱ـ۲. روش تحقیق

این مقاله، با رویکردی توصیفی‌تحلیلی، از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره می‌برد. تلاش نگارندگان بر این بوده است که با استفاده از شیوهٔ کتابخانه‌ای، منابع مختلف در

زمینهٔ روش‌شناسی را بررسی کنند و سپس با مطالعهٔ کتاب *ارزش میراث صوفیه*، به اطلاعاتی کلی دربارهٔ فضای این اثر و برخی از ویژگی‌های عمده و عمومی در زمینهٔ روش علمی استفاده‌شده، دست یابند و در نهایت، داده‌ها و اطلاعات حاصل‌شده را پردازش، تحلیل و نقد کند. نتیجهٔ پردازش نهایی و تجزیه و تحلیل این داده‌ها، متن پیش روست.

۱ـ۳. پیشینهٔ تحقیق

از روزگار فرانسیس بیکن (۱۵۶۱ـ۱۶۲۶م) که وی را از بانیان انقلاب علمی محسوب می‌کنند، روش تحقیق در علوم، بیشتر در کانون توجه قرار گرفت و به‌تدریج، خود به یک دانش مستقل با نام «روش‌شناسی» (متدلوژی) تبدیل شد (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲٤).

امروزه، روش‌شناسی و نقد روش، یکی از اصولی‌ترین روش‌های نقد و پژوهش در ادبیات و علوم انسانی به شمار می‌آید و تألیفات و تحقیقات متعددی نیز در ایران، در این حوزه انجام گرفته است.

از جمله تحقیقات و تألیفات پیشرو در این زمینه، مقالاتی از عبدالحسین زرین‌کوب با عنوان «تحقیق درست» (زرین‌کوب، ۱۳۳۷: ٤۰۹ـ٤۱٦)، «روش‌های علمی در نقد آثار ادبی» (همو، ۱۳۳۲الف: ۱٤٤ـ۱٤۸؛ همو، ۱۳۳۲ب: ۱۸٦ـ۲۱۲) و «روش‌های علمی در نقد و تصحیح متون ادبی» (زرین‌کوب، ۱۳۳٦الف: ۲۵۹ـ۲٦٤؛ همو، ۱۳۳٦ب: ۳۱۰ـ۳۱٤) است. این مقالات که دربارهٔ راه و رسم انجام تحقیق درست و اصولی و همچنین نکات و بایسته‌های مهم در نقد و تصحیح یک اثر است، می‌تواند به‌عنوان الگویی موفق و کاربردی برای آموزش روش تحقیق و نقد، مورد توجه دانشجویان و محققان قرار بگیرد. چنان‌که نگارندگان مقالهٔ حاضر نیز برای نقد روش کتاب *ارزش میراث صوفیه* به مباحث و نکات مطرح‌شده در این مقالات و به‌ویژه مقالهٔ «تحقیق درست» نظر داشته‌اند.

به‌تازگی نیز در برخی از رشته‌های علوم انسانی مانندِ علوم اجتماعی و الهیات، به این شاخه از دانش ـ روش‌شناسی ـ اقبال بیشتری شده و تألیفات مستقل، عمیق و

راهگشایی در این زمینه ارائه شده است که این تحقیقات نیز، می‌تواند الگویی مناسبی برای محققان و پژوهندگان عرفان و زبان و ادبیات فارسی قرار بگیرد. از جمله آثار منتشرشده در ایران که به این مقوله پرداخته است، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: *روش‌شناسی مطالعات دینی* (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵)؛ *روش تحقیق در علوم اجتماعی* (ساروخانی، ۱۳۷۵)؛ *روش تحقیق در علوم انسانی* (ایمان، ۱۳۹۱).

همچنین مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی می‌توان یافت که در آن با موضوع روش‌شناسی، به بررسی و نقد روشی آثار فاخر حوزهٔ علوم انسانی پرداخته شده است. پایان‌نامه‌هایی چون *روش‌شناسی تفسیر الواضح* (داودنیا، ۱۳۹۳)، *روش‌شناسی پژوهش‌های ادبی* (قبول، ۱۳۹۰) و مقاله‌هایی مانند «بررسی و تبیین روش‌شناسی مکتب کلامی ماتریدی» (قیومزاده، ۱۳۹۱)، «روش‌شناسی تفسیری امام رضا(ع)» (فخاری، ۱۳۹۲) و مقالات متعدد دیگری که فهرستی از این مقالات را در دو مقالهٔ «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم انسانی» (اصغرپور، ۱۳۸۵) و مقالهٔ «فهرست مقالات منتشرشده در باب روش‌شناسی علوم انسانی» (ناشناس، ۱۳۸۷) و همچنین مجلهٔ *روش‌شناسی علوم انسانی*» می‌توان مشاهده کرد.

با وجود همهٔ این آثار و تحقیقات، تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع مقالهٔ صورت نگرفته است؛ که با توجه به نیاز مجامع علمی کشور به روش‌شناسی تحقیق و همچنین بازشناخت روش‌های پژوهشی پژوهشگران موفق، ضرورت انجام این تحقیق احساس می‌شود. البته با موضوع «نقد ارزش میراث صوفیه»، سلسله مقالاتی دنباله‌دار نگاشته شده است (نک: رضانژاد، مجلهٔ گوهر، ۱۳۵۵ـ۱۳۵۷، شماره‌های مختلف). نویسندهٔ مقالات اشاره‌شده، غلام‌حسین رضانژاد (نوشین)، در این مقالات با رویکردی فلسفی‌دینی به نقد محتوایی برخی از اظهار نظرهای مطرح در فصل اول کتاب *ارزش میراث صوفیه* پرداخته است. گرچه این مقالات در نقد محتوایی کتاب *ارزش میراث صوفیه* می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، رویکرد فلسفی اتخاذشده در آن‌ها موجب شده است که مقالات یادشده بیش از نقد کتاب *ارزش میراث صوفیه* به مجالی برای مطرح

شدن مباحث فلسفی تبدیل شود و به موضوع اصلی، یعنی نقد کتاب *ارزش میراث صوفیه* پرداخته نشود. همچنین وفور تعبیرات و اصطلاحات فلسفی به همراه شیوهٔ بیان غامض و گاه غیرسلیس نویسنده موجب شده است که فهم بسیاری از مباحث این مقالات برای خواننده دشوار نماید. بر این اساس همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، نقد روش‌شناسی کتاب *ارزش میراث صوفیه* در هیچ پژوهشی انجام نگرفته است.

۲. معرفی کتاب

کتاب *ارزش میراث صوفیه*، جستجویی در تاریخ تصوف و همچنین ارزیابی، نقد و تحلیل میراث نظری‌عملی صوفیه است. قسمتی از این کتاب، پیش‌تر به‌صورت سلسله مقالاتی دنباله‌دار، در مجلهٔ *یغما* انتشار یافته بود که زرین‌کوب پس از مروری بر آن و اضافه کردن بخش‌هایی، آن را به‌صورت کتابی مستقل فراهم آورد.

این کتاب دارای یک مقدمهٔ کوتاه (در یک صفحه) و هفت فصل است که عناوین فصل‌های آن، به‌ترتیب عبارت است از: «قلمرو عرفان»، «زهد و محبت»، «شیخ و خانقاه»، «حکمت صوفیه»، «دفتر صوفی»، «تصوف در ترازو» و «از میراث صوفیه». افزون بر این هفت بخش، در پایان کتاب، بخش‌های «یادداشت‌های نویسنده»، «گزیدهٔ مراجع»، «پیوست‌ها» و «فهرست اسامی اشخاص» نیز افزوده شده است. مهم‌ترین موضوعات و مطالب این کتاب، به ترتیب فصول مذکور، به شرح زیر است:

در فصل قلمرو عرفان، به موضوعاتی مانندِ عرفان عام، تصوف اسلامی و عرفان، جنبه‌های نظری و عملی عرفان، منشأ اسلامی تصوف، فرضیه‌های خاورشناسان دربارهٔ منشأ تصوف و نقد و تحلیل آن فرضیه‌ها، تأثیر مذاهب و عقاید مختلف در تصوف، منشأ تشابهات بین تصوف اسلامی و مذاهب و عقاید دیگر و... پرداخته شده است.

در فصل دوم کتاب با عنوان «زهد و محبت»، مباحثی چون اهمیت میراث صوفیه، اشتقاق صوفی و تصوف، زهد و عرفان، منشأ زهد اسلامی، اصحاب صفه و همچنین سرگذشت و اندیشه‌های زهاد نخستین تصوف اسلامی، فقها و تمایلات زاهدانه، شروع تندروی‌های صوفیه و بدگمانی فقها به صوفیه و... مطرح شده است.

در فصل سوم کتاب، با عنوان «شیخ و خانقاه» به موضوعات تصوف در خراسان و فارس، بررسی زندگی و آراء عارفان نامدار و همچنین خانقاه‌های صوفیه و سلسله‌های مهم تصوف پرداخته شده و در فصل «حکمت صوفیه»، در باب مباحث مهم تصوف، مانندِ کشف و شهود، فنای صوفیه، وحدت وجود و سابقهٔ آن در اقوال کسانی چون ابن‌عربی، صوفیه و تأویل، حکمت اشراقی و منشأ آن، بحث شده است.

در فصل پنجم با عنوان «دفتر صوفی»، در باب ادب صوفیه، اعم از شعر و نثر و معرفی آثار مهم ادبیات عرفانی، مباحث سودمندی آورده شده است و در فصل بعدی، با عنوان «تصوف در ترازو»، چنان‌که از نام آن نیز پیداست، به سنجش و ارزیابی نقاط مثبت و منفی آراء و عملکرد صوفیه و به‌طور کلی خدمات و انحرافات صوفیان پرداخته شده است.

فصل پایانی کتاب با عنوان «از میراث صوفیه» گزیده‌ای از ادب منثور صوفیه است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان با اندیشه‌ها و احوال صوفیه، فراهم شده و سرانجام، در قسمت یادداشت‌ها نیز، دربارهٔ نکاتی از متن و یا معرفی منابع بیشتر، مطالب مفیدی عرضه شده است. علاوه بر این در پایان کتاب، *معراج‌نامهٔ بایزید* به نقل از *تذکرهٔ الاولیا*، مبحث «الشطحیات» به نقل از *اوراد الاحباب*، *ترجمهٔ منظومه سریانی جامه فخر* و قسمت‌هایی از کتاب *تبصرهٔ العوام* سید مرتضی رازی پیوست شده است، تا بنا به هدف نویسندهٔ کتاب با این یادداشت‌ها و پیوست‌ها به خوانندگان جوان در فهم کتاب کمک شود (نک: زرین‌کوب، ۱۳۷۷: مقدمهٔ چاپ سوم کتاب).

۳. پیش‌زمینهٔ بحث

عصر حاضر، به عصر دانایی و یا عصر انفجار اطلاعات معروف است. در عصر مذکور، اطلاعات از طریق فناوری‌هایی چون اینترنت و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، به فراوانی قابل دسترس شده است؛ بنابراین، در این دوره، صرف استخراج و داشتن اطلاعات، نمی‌تواند مفید و کارساز باشد، بلکه تجزیه و تحلیل و نحوهٔ کاربرد اطلاعات مهم است (کومبز، ۱۳۷۳: ۲۱).

به نظر آلوین تافلر، در این دورهٔ اطلاعات، اقتدار برای کسانی است که از دانش بیشتری برخوردار باشند. دانش به عقیدهٔ او، در فرایند خاصی حاصل می‌شود؛ فرایندی که در طی آن، داده‌ها به اطلاعات، سپس به دانش و در نهایت به خرد تبدیل می‌شود. با این توضیح که داده‌ها، همان اطلاعات پراکنده و انبوهی است که ما در هر موضوع، از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اطلاع‌رسانی با آن روبه‌رو هستیم. در واقع اطلاعات، صورت طبقه‌بندی و تحلیل علمی‌شدهٔ داده‌هاست و دانش، صورت‌های استنتاج و کشف‌شدهٔ جدیدی است که بر بنیان اطلاعات دقیق و صحیح و منطبق با روش‌شناسی علمی خاص خود حاصل می‌شود. همچنین خرد، ابزاری است که در کل این فرایند، به‌صورت تفکر انتقادی، در تبدیل داده‌ها به اطلاعات و اطلاعات به دانش از آن استفاده می‌شود؛ اما مقصود از آن به‌عنوان هدف نهایی، نگرش علمی، منطقی و مستقلی است که برای یک پژوهشگر متفکر به وجود می‌آید (غلامی‌نژاد و قبول، ۱۳۸٦: ۱۸۲، به نقل از آلوین تافلر).

با توجه به اصالت دانش در این دوران باید گفت که در این عصر، دیگر صرف جمع‌آوری کشکول‌وار اطلاعات (Anthology) و صرف در کنار هم گذاشتن داده‌ها در یک پژوهش، اهمیت و ارزش خاصی ندارد. در واقع، اعتبار یک پژوهش، به میزان روش‌مندی تجزیه و تحلیل اطلاعات آن و همچنین برخورداری آن از روش‌های مناسب خود بستگی دارد.

مقصود از روش، فرایند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن، برای شناخت یا کشف مجهولات است. در این تعریف، روش، به مجموعهٔ قواعد، ابزار و فنونی اطلاق می‌شود که در یک پژوهش به کار گرفته می‌شود تا آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری کند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ج۱، ۲٤). به بیان دیگر، «روش عبارت است از داشتن برنامه و طرح نظام‌مند، برای حرکت از یک نقطه و رسیدن به یک هدف» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲٤).

با اهمیت پیدا کردن دانش و روش تحقیق در عصر حاضر، به روش تحقیق در علوم بیشتر توجه شد و به‌تدریج به یک دانش مستقل با نام «روش‌شناسی»

(Methodology) تبدیل شد. بر این اساس، روش‌شناسی، تحقیق، شناخت و بررسی کارآمدی و ناکارآمدی‌های روش‌های گوناگون است. به عبارت دیگر، «روش‌شناسی تحقیق، مطالعهٔ نظام‌مند روش‌هایی است که در درون یک نظام مطالعاتی به کار رفته است یا می‌تواند به کار گرفته شود. کار روش‌شناسی، توصیف فرایند تحقیق در یک زمینهٔ تحقیقی و در معنای گسترده‌تر بازشناسی مجموعهٔ فلسفی منسجم نظریه‌ها، مفاهیم یا اندیشه‌های مرتبط با موضوع و زمینهٔ پژوهش است» (همان‌جا).

در روش‌شناسی یک پژوهش، ناقد با نگرش انتقادی و تحلیلی، فرایند عمومی انجام آن پژوهش را بررسی می‌کند، به معرفی و نقد روش‌های به‌کارگرفته‌شدهٔ محقق در نظام مطالعاتی‌اش می‌پردازد، چگونگی روند کار محقق را از صدور فرضیه تا ارائهٔ نظریه ارزیابی می‌کند و بدین سان، بر اساس میزان روشمندی اثر و همچنین درستی و کارآمدی روش اتخاذشده، اعتبار، صحت و سقم، و غث و سمین نتایج تحقیق نویسنده را نقد می‌کند. روش‌شناسی، علاوه بر اینکه ابزاری سودمند و علمی برای نقد یک اثر محسوب می‌شود، در معرفی و ارائهٔ روش‌های مناسب و علمی تحقیق برای محققان و دانشجویان نیز مفید واقع می‌شود. بر این اساس، در این تحقیق، علاوه بر نقد روشی کتاب *ارزش میراث صوفیه* که یکی از آثار مهم و مرجع عرفان‌پژوهی محسوب می‌شود، روش عبدالحسین زرین‌کوب در این کتاب با معیارهای علمی و استاندارد پژوهش بررسی می‌شود تا در صورت روش‌مندی و انطباق روش پژوهشی ایشان با معیارهای صحیح پژوهشی، به‌عنوان روشی مناسب، برای انجام پژوهش‌های عرفانی و ادبی معرفی و جایگزین شیوه‌های غیرعلمی و احیاناً ذوقی و سلیقه‌ای گردد.

۴. روشمندی مطالعات و سبک زرین‌کوب در ارزش میراث صوفیه

گفته‌اند که در پژوهش علمی، «روش، عبارت است از یک برنامهٔ منطقی منظم که اصول و تکنیک‌های جستجو را برای رسیدن به پاسخ سؤال تحقیق، تدوین و تنظیم می‌کند. کار اصلی این برنامه، در روند پژوهش، کنترل و هدایت محقق است؛ یعنی قلمرو مطالعه و یادداشت‌برداری را مشخص می‌کند، مراحل کار را سازمان می‌دهد، به

ذهن نظم و انضباط می‌بخشد تا مطالب را طبقه‌بندی و ارزیابی کند و دست‌یابی به نتایج پیش‌بینی‌شده را به‌طور منطقی امکان‌پذیر سازد» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۵).

اهمیت داشتن روش در تحقیقات، تا جایی است که دکارت در باب آن می‌گوید: «بهتر آن است که بدون روش، کسی اصلاً فکر جستجوی حقیقتی نکند؛ زیرا محقق است که تحقیقات و مطالعات بدون نظم و درهم و برهم، نور طبیعی را مختل و ذهن را کور می‌سازد و کسی که خود را معتاد کند که این‌گونه در ظلمت راه رود، هرآینه به اندازه‌ای بینایی خود را ضعیف می‌کند که دیگر تاب مقاومت روشنایی روز را نمی‌آورد» (شاله، ۱۳٤٦: ۵۹).

نداشتن روش مشخص و نقشهٔ معین، برای انجام تحقیقات و مطالعات عرفانی، یکی از ایرادات وارد به اکثر کتاب‌هایی است که در باب مبانی عرفان و تصوف نوشته شده است. همین امر باعث شده است که اکثر این کتاب‌ها، تا اندازه‌ای حالت کشکولی پیدا کنند و مطالب و دیدگاه‌های مختلف، بدون هیچ تحلیل یا تبعیت از دیدگاهی خاص در کنار هم قرار بگیرند؛ همچنین نداشتن ساختار منطقی و منسجم در اغلب این آثار از دیگر مشکلات این آثار به شمار می‌آید.

با توجه به این مطلب، می‌توان گفت که یکی از تفاوت‌ها و امتیازات *ارزش میراث صوفیه*، در قیاس با بسیاری از آثار و مطالعات عرفانی متعدد دیگر، روشمند بودن و برخوردار بودن آن از نقد و تحلیل‌های کارشناسانه‌ای است که حاکی از صاحب‌نظر و بینش‌مند بودن نویسندهٔ آن در مطالعات و تحقیقات عرفانی است.

به بیان دیگر، زرین‌کوب در این کتاب، در کنار استفاده از روش تاریخی از شیوه‌ها و روش‌های فرعی‌تری همچون روش تحلیلی، استدلالی، تبیینی، توصیفی و نقد نیز بهره گرفته است. اشراف ایشان بر تاریخ، ادبیات، مفاهیم و منابع گوناگون عرفان و تصوف، موجب شده است که در برخورد با نظریه‌های مختلف در باب مسائل و زوایای عرفان و تصوف به‌جای اتخاذ رویکرد صرفاً توصیفی، به ارجاع، استناد، تحلیل، تبیین و نقد آراء مختلف نیز بپردازد و با دیدگاه اصولی خویش، بتواند از بحث، نتیجه

بگیرد. از سوی دیگر، بهره‌گیری ایشان، از نثری فاخر و محکم، از دیگر ویژگی‌های شاخص این نویسندهٔ محقق است. خلاصه آنکه، روشمندی و اشتمال بر دیدگاه‌های تحلیلی ـ انتقادی، از نکات قوت و قابل توجه در کتاب *ارزش میراث صوفیه* است که به آن، در دو محور «روش‌های پژوهشی» و «ویژگی‌های سبکی و شیوهٔ بیان» خواهیم پرداخت.

۴ـ۱. نگاهی به روش‌های پژوهشی زرین‌کوب در کتاب ارزش میراث صوفیه

عبدالحسین زرین‌کوب، پژوهشگر و مورخ بزرگ معاصر، روش و سبک خاصی در تدوین و نگارش دارد که در این بخش، روش‌ها و همچنین، برخی از مؤلفه‌ها و اصول برجستهٔ فنون تحقیقاتی ایشان، در کتاب *ارزش میراث صوفیه* بررسی و تحلیل می‌شود:

۴ـ۱ـ۱. روش تاریخی

«در این روش پژوهش، برای شناخت یک پدیده با مراجعه به اسناد و مدارک، اطلاعات مورد نظر، دربارهٔ شرایط و مسائل گذشتهٔ آن، گردآوری می‌شود و پس از بررسی داده‌ها، آن پدیده در نگاهی تاریخی، توصیف و تحلیل می‌شود» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۸).

زرین‌کوب در *ارزش میراث صوفیه*، به گفتهٔ خود به دنبال «جستجویی در تاریخ تصوف» (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: مقدمهٔ چاپ دوم) است؛ لذا روش اصلی این کتاب، شناسایی و تحلیل ابعاد و زوایای مسائل مختلف تصوف و عرفان، از طریق بررسی سیر تاریخی و تطور آن (روش تاریخی) است و این روش را در سراسر کتاب می‌توان مشاهده کرد.

برای نمونه، به توصیف و تحلیل ایشان، دربارهٔ «پشمینه‌پوشی» و «زهد صوفی» می‌توان اشاره کرد که این مسائل را در تاریخ تصوف و حتی پیش از طلوع تصوف، یعنی از عهد پیامبر اسلام(ص) بررسی کرده و تحلیل‌های ارزشمندی در باب منشأ، سابقه و همچنین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول و تطور هریک از این مسائل ارائه داده است (نک: همان: ۳۹ـ٦٦). همچنین مبحث ادب صوفیه از دیگر مباحثی است که در آن با بهره‌مندی از روش تاریخی، تطور و تحول ادب صوفیه را از جهات گوناگون، از ابتدا، یعنی از اقوال و مقالات مشایخ اولیه تصوف، تا روزگار مولوی بررسی کرده

است (نک: همان: ۱۲۸ـ۱٤۷). علاوه‌بر ایـن، پژوهشـی تـاریخی، در بـاب اصـطلاحات صوفیه انجام داده و در آن به اصطلاحات صـوفیه از زوایـا و وجـوه مختلفـی پرداختـه است؛ زوایا و وجوهی مانندِ منشـأ و علـل اجتمـاعی‌تـاریخی بـه وجـود آمـدن ایـن اصطلاحات، مآخذ متعددی که صوفیان این اصطلاحات را از آن اخذ کرده‌اند و... (نک: همان: ۱٤۸ـ۱۵۰).

افزون بر این، زرین‌کوب با شناسـایی و تحلیـل ابهامـات و مسـائل متعـدد دربـارهٔ تصوف و عرفان، ابعاد و زوایای هریک از آن مسـائل را از طریـق مراجعـه بـه پیشـینهٔ تاریخی و همچنین بررسی سیر تاریخ و تطور آن (روش تاریخی) روشن ساخته اسـت و بدین سان، خواننده با مطالعهٔ این کتاب، علاوه بر کسب دانش و آگاهی بسـیار (و نـه اطلاعات)، می‌تواند تصویری واضح و کلـی نیـز از عرفـان و تصـوف اسـلامی و سـیر مطالب و مباحث آن تصور کند.

مطلب قابل ذکر در این مبحث، روش خاص زرین‌کوب در استناد به منابع و مآخـذ است. زرین‌کوب در کتاب *تاریخ در ترازو* در مبحثی با عنوان «نقد و ارزیابی» به روش متداول در بین مورخ‌نماها و پژوهشگران در استفاده از منابع تاریخی، نقدهای بسـیاری را وارد و اصـول مهمـی را دربـارهٔ روش تحقیـق در تـاریخ ذکـر کـرده اسـت (نـک: زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۱۰۸ـ۱٦۷)؛ از جمله نکاتی که وی دربارهٔ روش تحقیـق در تـاریخ متذکر شده، روش استفاده از منابع و استنادات تاریخی است. او با انتقاد از پژوهشگران و مورخ‌نماهایی که صفحات بسیاری از پژوهش خود را با نقل و ذکر و ارجاع صـرف به منابع تاریخی گران‌بار می‌کنند، روش آنان را «تاریخ‌نویسی با چسب و قیچی» (نـک: همـان: ۱٦۲) خوانـده و یـادآوری کـرده اسـت کـه روش صـحیح در اسـتنادها و بهره‌گیری‌های از منابع مختلف تاریخی، ذکر و ارجاع صرف نیست، بلکه محقـق بایـد به‌دقت استشهادات و استنادات تاریخی را با نگاه انتقادی ارزیابی کند و هرجا کـه لـازم به نظر برسد به جرح و تعدیل آن بپردازد. همچنین بر محقق لازم دانسـته اسـت کـه از گران‌بار کردن متن کتـاب بـا اطلاعـات پراکنـدهٔ تـاریخی اجتنـاب کنـد و آن دسـته از

اطلاعات و استنادات و مدارکی را که وجود آن برای فهم متن ضرورت ندارد، در خارج از متن (قسمت یادداشت‌ها) بیاورد. نکاتی که زرین‌کوب دربارهٔ روش تحقیق در تاریخ متذکر شده، در کتاب *ارزش میراث صوفیه* نمود عینی یافته است. در سرتاسر این کتاب، روش نقد و ارزیابی منابع و استنادات تاریخی و همچنین پرهیز از ارائهٔ اطلاعات تاریخی غیرضروری در متن که زرین‌کوب خود از آن به «خودنمایی جاهلانه» (همان) تعبیر کرده است، نمود چشمگیری دارد.

از دیگر نکاتی که زرین‌کوب دربارهٔ روش درست تحقیق در تاریخ، ذکر کرده است، احتراز از ذکر مطالب تاریخی بی‌ربط با موضوع مورد بحث است. وی توصیه کرده است که در بررسی تاریخی یک امر، نباید عنان قلم را فروگذاشت؛ بلکه باید به بیان و شرح مطالبی پرداخت که در ارتباط مستقیم با موضوع است و یا بر موضوع تأثیر و نفوذ داشته است: «در کار تحقیق، چیره‌دستی همه آن نیست که محقق بداند آنچه باید بنویسد، چیست؛ نکته آن است که محقق باید بداند کدام چیزهاست که نباید بنویسد» (زرین‌کوب، ۱۳۳۷: ٤١٢ـ٤١٣). این نکته و توصیهٔ زرین‌کوب نه‌تنها در *ارزش میراث صوفیه* بلکه در دیگر پژوهش‌های تاریخی ایشان نیز به شیوایی تمام، تحقق یافته است. چنان‌که کتاب *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن* (که متن ترجمه‌شدهٔ سخنرانی ایشان دربارهٔ معرفی تاریخی تصوف است) به‌لحاظ همین ویژگی ـ رعایت ایجاز و جامعیت در بیان مسائل تاریخی ــ ستوده شده و با عبارت «تصویر مینیاتورگونه» از کل قلمرو تصوف ایرانی توصیف شده است (نک: زرین‌کوب، ۱۳۸۳ب: ۹ـ۱۰).

۴ـ۱ـ۲. پردازش اطلاعات و نظریه‌پردازی

پژوهش، فرایند پردازش اطلاعات است؛ پردازشی که نظام‌مند و متعلق به گستره‌ای خاص از علوم است و به نوآوری می‌انجامد. بر اساس این تعریف، هر پژوهشی باید از سه رکن اصلی برخوردار باشد: اطلاعات، روشمندی و نظام‌دار بودن و در نهایت، پردازش اطلاعات که منظور از پردازش، تجزیه و تحلیل اطلاعات است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۱: ۱۲۰ــ۱۲۱). پردازش اطلاعات دارای اهمیت اساسی در همهٔ

روش‌های پژوهشی و از جمله روش تاریخی است: «فرایند بررسی و تحلیل انتقادی اسناد و بقایای گذشته، روش تاریخی خوانده می‌شود، تاریخ، حاصل آمیزه‌ای از مطالعهٔ اسناد مکتوب و تفسیر مطالب آن، در پرتو شواهد دیگر و تحلیل خود تاریخدان است» (بیکر، ۱۳۷۷: ۲۲٦).

در بررسی کتاب *ارزش میراث صوفیه*، پردازش و تحلیل اطلاعات، به‌عنوان یکی از امتیازات و شاخصه‌های اصلی این کتاب به چشم می‌آید. روش‌های اتخاذشده در این کتاب، برای پردازش اطلاعات با توجه به موضوع، به شکل دقیقی، انتخاب و به کار گرفته شده و در کنار استفاده از روش‌های توصیف، تعریف، استناد و استشهاد از روش‌های مقایسه و تطبیق، نقل و نقد اقوال مختلف، تعدیل اقوال، تحلیل انتقادی و استنتاج نیز استفاده شده است. بهره‌گیری زرین‌کوب از روش‌های تحلیل، مقایسه، انتقاد و پردازش موجب شده است که این کتاب، در قیاس با بسیاری از آثار مشابه، ضعف نظری (تئوریک) نداشته باشد و حضور نویسنده با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های ناب و مستقل، برای استنتاج رأی صحیح، از دل آراء مختلف مطرح‌شده، به شکل محسوسی دریافت شود. تأمل در نمونه‌های زیر، جایگاه وی را در جهت بخشیدن به آراء مختلف و صدور نظریه نشان می‌دهد:

در فصل «تصوف در ترازو»، در باب منشأ اجتماعی و اخلاقی تصوف با بیان این که پیدایش مسلک تصوف را، هریک از اهل نظر به‌گونه‌ای توجیه کرده‌اند، دیدگاه محتمل و مستند خود را دربارهٔ آن، بیان می‌کند و سپس به بیان احتمالات و آراء دیگر می‌پردازد و انحراف هریک از این دیدگاه‌ها را با استناد به آثار و تاریخ تصوف، نقد و تحلیل می‌کند (نک: زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۱۷٤ــ۱۱۷)؛ یا در فصل «قلمرو عرفان»، نویسنده به فرضیه‌های متعدد خاورشناسان، در باب منشأ غیراسلامی تصوف اشاره می‌کند و با تحلیل نقاط ضعف و قوّت هریک از فرضیه‌ها، در پایان، دیدگاه معقول و مستند خویش را چنین اعلام می‌کند که «وجود بعضی تشابهات، وجود اخذ و تقلید را ثابت نمی‌کند و فرض منشأ غیراسلامی برای تصوف معقول نیست» (همان: ۱۲ـ۱٤).

در نمونه‌هایی نیز، در بیان مسئله‌ای، بدون پردازش نظریه‌ای قطعی، تنها به آرا و اقوال مختلف دربارهٔ آن اکتفا می‌کند و این‌گونه با سکوت در قبال اقوال مختلف و ایجاد فرضیه‌های محتمل، و نه ارائه یا ادعای نظریه، راه تحقیق را برای آن موضوع باز می‌گذارد: «اینکه منشأ این‌گونه مکاشفات عرفانی، نوعی پندار و توهم است، یا قسمی بیماری صرع و یا فی‌المثل اختلالی است روحانی که با جریانات شعور باطنی بعضی بیماران ارتباط دارد، البته محل بحث است؛ لیکن شک نیست که در هر حال، این جذبه‌ها و مکاشفات، از احوالی است که برای هرکسی حاصل نمی‌شود و کسانی که استعداد روحانی خاص ندارند، از ادراک آن احوال بی‌بهره‌اند» (همان: ۲۸).

«ذوالنون از کسانی است که افکار و تعالیم نوافلاطونی را در تصوف وارد کرده‌اند. آثاری هم به او منسوب است که صحت انتساب پاره‌ای از آن‌ها، محل تأمل است. بعضی از تذکره‌نویسان، او را واقف به رموز کیمیا و همچنین، آشنا به معارف هرمس و خطوط قدیم مصری (هیروگلیف؟) دانسته‌اند. احتمال هست که در برخی موارد احوال او را با اخبار شخصی دیگر، به هم آمیخته باشند» (همان: ۵۹).

از دیگر شیوه‌های زرین‌کوب برای نظریه‌پردازی، استفاده از روش تطبیق و مقایسه است؛ برای مثال، در فصل «حکمت صوفیه»، این نظریه بیان می‌شود که حکمت اخوان‌الصفا، تلفیقی از حکمت‌ها و مذاهب دیگر، از جمله حکمت صوفیه و حکمت اسکندریه و نوافلاطونیان است. زرین‌کوب این نظریه را با مقایسه و تطبیق وجوه مشابهت‌های بین حکمت اخوان‌الصفا و حکمت‌های مذکور و همچنین با استناد به رسائل اخوان که توجه و تأثر آنان را از حکمت نوافلاطونیان و اشراق تأیید می‌کند، اثبات کرده است (همان: ۱۲۲ـ۱۲۶).

بهره‌گیری از روش مقایسه و تطبیق در قسمت‌های دیگر این کتاب نیز نمود بارزی دارد. در فصل‌ها و مباحث مختلف، عقاید و عناصر مربوط به تصوف و عرفان با عناصر عرفان‌ها و مذاهب دیگر جهان، مقایسه و وجوه شباهت و تفاوت‌ها ذکر شده و تأثیر و تأثرها با استدلال و استناد بررسی شده است که برای مثال می‌توان به این

مباحث در کتاب *ارزش میراث صوفیه* ارجاع داد: مقایسه و بیان شباهت، میان عناصر مختلف تصوف با عناصر مذاهب و عرفان‌های دیگر، حتی آیین شمن و توتم (نک: همان: ١٤ـ٢٧)، مقایسهٔ مقولهٔ جذبه در تصوف با مقولهٔ عنایت در عرفان کیه‌تیست مسیحی (نک: همان: ۱۰۸)، بیان وجوه شباهت بین نظریهٔ وحدت وجود ابن‌عربی با مذهب اسپینوز (نک: همان: ۱۰۹)، ذکر وجوه شباهت آداب سماع و ذکر سلسلهٔ رفاعیه با آداب سلسلهٔ عیساویهٔ (نک: همان: ۸۱ و ٢٦٢) و نمونه‌های فراوان دیگری که با مراجعه به کتاب می‌توان ملاحظه کرد.

ازاین‌رو، می‌توان گفت که پردازش اطلاعات به شکل علمی و روشمند، از ویژگی‌های بارز قلم استاد زرین‌کوب در این اثر است که یادآور این تعبیرات ابن‌خلدون است که «دیدهٔ بصیرت می‌تواند اخبار را انتقاد کند و صحیح را برگزیند و به نیروی دانش، می‌توان صفحات صواب را روشن و تابناک ساخت» (ابن خلدون، ۱۳۵۹: ج ۱، ١١٦).

۴ـ۱ـ۳. نقد و ارزیابی اسناد و منابع

رویکرد عبدالحسین زرین‌کوب در بهره‌گیری از منابع و استناد به آن، مشابه رویکرد ایشان در نقل نظر محققان دیگر است. در مبحث قبل، اشاره شد که او در برخورد با اقوال و نظریات محققان، به‌جای قبول و پذیرش صرف، عالمانه، به نقد و تحلیل دیدگاه‌ها می‌پردازد و به تناسب و تشخیص علمی و مستند خویش، از شیوه‌های محققانه‌ای مانند پذیرش و تأیید، تعدیل و نقد، رد و انکار و... استفاده می‌کند. روش‌های مذکور در برخورد وی با منابع و اسناد نیز اغلب دیده می‌شود؛ به این معنی که ایشان، در بررسی‌های خویش، تنها به استناد و استشهاد به منابع و اسناد بسنده نمی‌کند بلکه با تأمل و ژرف‌اندیشی، به نقد و ارزیابی منابع و ارائهٔ فرضیات معقول یا مقبول نیز می‌پردازد: «بین ابن‌سینا و شیخ ابوسعید، مکاتبه‌هایی هم شده است که بعضی نمونه‌ها، از آن باقی است. حتی تذکره‌نویسان گفته‌اند که پیر میهنه، یک رباعی شیخ‌الرئیس را نیز، جواب عارفانه و لطیف گفته است. اگر هم این روایات، مورد تردید باشد، قرابت روحانی، بین ابوسعید و شیخ الرئیس محل اختلاف نیست» (همان: ٦٧).

«برای اطلاعات بیشتر از احوال فعلی آن‌ها [فرقهٔ خاکساریه]، رجوع شود بـه *تحفـهٔ درویش و گنجینهٔ اولیا*، تـألیف معصومعلی‌شـاه مدرسـی عـالم کـه مشـحون اسـت از خرافات و قصه‌ها» (همان: ۲٦۲).

«در *اسرار التوحید* هم گفته شده است که شیخ را پروای تفکـر در بیـت نبـود، جـز بیتی که بر پشت رقعهٔ درویشی نوشت... . این روایات، البته محل تردید است و ظـاهر، آن است که همه را به قصد تنزیه و تبرئهٔ شیخ از اشتغال به شعر و شاعری ساخته‌اند و گویی، این را دون شأن شیخ می‌شمرده‌اند» (همان: ۲٦٦؛ همچنین نک: همـان: ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۱۱۵، ۱۱٦ و ۱۵۲).

این روش زرین‌کوب در استفاده و اسـتنباط از منـابع از مهم‌تـرین بایسـته‌های امـر پژوهش به شمار می‌آید و در مقاله‌ای هم که خـود ایشـان دربـارهٔ راه و رسـم غـور و تحقیق نگاشته‌اند، متذکر آن شده‌اند: «باید که محقق در شناخت ارزش اسـناد و مآخـذ نیز آن اندازه دقت و احتیاط داشته باشد کـه فریـب لاف‌هـا و گزاف‌هـا و شـوخی‌ها و نادرستی‌های مؤلفان اسناد و مآخذ را نخورد و آن همه را بیهـوده راسـت و درسـت و بی‌خلل نپندارد» (زرین‌کوب، ۱۳۳۷: ٤۱٤).

۴ـ۱ـ۴. روش استدلالی و کشف علت‌ها

از روش‌های دیگری که محقق در تحلیل تاریخی ابعاد مختلف تصوف و عرفان، از آن بهره برده، روش استدلالی و کشف علت است که به‌وسیلهٔ آن، علل واقعیات و مسـائل مختلفی از تصوف، با توجه به سیر تحول و تطور تاریخی آن بررسی شـده اسـت: «در هر حال، چون این سلسله‌ها با طبقات عامه بیشتر سروکار دارند تا بـا خـواص و اهـل مدرسه، ورود بعضی عناصر، از عقاید رایج بین عامه، در طریقت آن‌ها عجب نیسـت و ظاهراً از همین روست که در بین سلسـله‌هـای طریقـت، رسـم‌هـا و آدابـی از میـراث مذاهب قدیم باقی مانده است که بیش‌وکـم، نـزد متشـرعه، ناصـواب یـا نارواسـت...» (همان: ۷۹ـ۸۰).

«این‌گونه دعاوی، همان‌قدر که بین ساده‌لوحان، با قبول و اعجاب مواجـه مـی‌شـده است، نزد دیگران، با شک و انکار تلقی می‌شده. به همین جهت، صوفیه و مشایخ آن‌ها

در بین امواج رد و قبول عامه، گاه به اوج قدسیت می‌رسیده‌اند و گاه بـه ورطـهٔ کفـر و ارتداد و سالوس و ریا می‌افتاده‌اند» (همان: ۱۵۳؛ همچنین نـک: همـان: ١٤، ١٥، ١٥١، ١٥٢ و ١٥٩).

۴ـ۱ـ۵. استناد و استشهاد به آیه، حدیث، حکایت و شعر

آگاهی و بلکه تسلط عمیق محقق، بر مفاهیم و مسائل دینی و ادبی موجب شده اسـت که استشهاد و استناد به آیه، حدیث، حکایت و شعر به‌عنوان یکی از ویژگی‌هـای بـارز *ارزش میراث صوفیه*، نمودی پررنگ داشـته باشـد. زریـن‌کـوب در سرتاسـر ایـن اثـر تحقیقی، برای اثبات و تأیید یک موضوع یا یک ادعا و یا به‌منظور ارائهٔ توضیحی بیشتر به آیات، احادیث، حکایات و اشعار فارسی و عربی رجوع مـی‌کنـد و از آن بـه‌عنـوان نمونه و شاهد موضوع و یا سند ادعای خویش بهره می‌گیرد. در زیر، به نمونه‌هـایی از استنادها و استشهادهای به‌کاررفته در این کتاب اشاره می‌شود:

در مبحث بررسی ریشهٔ مفاهیم تصوف در اسلام، به آیات، احادیث و روایـت‌هـای متعددی اشاره کرده است (نک: همان: ۳۵ـ۳۸)؛ همچنین علاوه بر استنادات اشاره‌شـده در متن کتاب، احادیث و آیات بسیاری نیز در قسمت یادداشـت‌هـای مربـوط بـه ایـن مبحث، با ذکر سند یا اسناد، درج شده است (نک: همان: ۳۵ـ۳۸ و ۲۵۸ـ۲۵۹).

همچنین در توضیح مفهوم کشف و شهود صوفیه، پـس از ارائـهٔ سـخنان و عقایـد صوفیه در این باب، برای بیان اهمیت این نوع معرفت، ابیـاتی از *مثنـوی معنـوی* را در این‌باره به‌عنوان شاهد آورده و به تمثیل معروف مسابقهٔ نقاشان چینی و نقاشـان رومـی نیز استناد کرده است (نک: همان: ۲۹ و ۲۵۸).

در بررسی عرفان محیی‌الدین ابن‌عربی نیز، به بیان مفاهیم تجلی ازلی، فیض اقـدس و اعیان ثابته، بر اساس آثار محیی‌الدین پرداخته و پس از ارائهٔ توضیحاتی در این بـاب، برای تصدیق و تأیید اینکه سخنان و توضیحات مشروح، بر اساس دیدگاه محیی‌الـدین است، به اشعاری از محیی‌الدین استشهاد کرده است (نک: همـان: ١١٩ و ٢٦٤ــ٢٦٥). برای ملاحظهٔ نمونه‌های بیشتر در این مورد نـک: همـان ٣٦ و ٢٥٨، ٦٧ و ٢٦١، ١٠٦ و ٢٦٤، ١٥٥ و ٢٦٦، ١٦٥ و ٢٦٨.

۴ـ۱ـ۶. حقیقت‌جویی و پرهیز از تعصب و مبالغه

نقد عالمانه، عاری از هرگونه شائبهٔ غرض، حب و بغض، جانبداری، مبالغه و یا تقدس‌بخشی، به‌طور کلی از ویژگی‌های روشی عبدالحسین زرین‌کوب است که خود، التزام به این ویژگی را بر دیگر ناقدان و محققان نیز فرض دانسته است: «البته لازمهٔ این مایهٔ دقت و احتیاط آن است که آزاداندیشی و حق‌پرستی در وی [محقق] بدان پایه رسیده باشد که بتواند نتیجهٔ درست تحقیق خود را بی‌ملاحظه و بدون روی و ریا بیان کند و تعصب و غرض او را از بیان حقیقت بازندارد. شرط این مایه حق‌پرستی و آزاداندیشی نیز آن است که محقق پیش از شروع تحقیق، نتیجهٔ مطلوب را در نظر نگرفته باشد و در حقیقت برای تأیید اندیشهٔ قبلی خویش از راه تحقیق به جستجوی شاهد و سند نپرداخته باشد» (همان: ٤١٤).

با توجه به این مطلب، اگر به‌طور کلی آثار حوزهٔ تصوف‌پژوهی زرین‌کوب از لحاظ رعایت ویژگی یادشده ـ حقیقت‌جویی و پرهیز از تقدس‌بخشی یا غرض‌ورزی در نقد تصوف و صوفیه ـ بررسی شود، ملاحظه می‌شود که در تمامی این آثار، نویسنده کوشیده است فارغ از هرگونه غرض‌ورزی و تقدس‌بخشی به ارزیابی و نقد عالمانهٔ تصوف و صوفیه بپردازد. *کتاب‌های جستجو در تصوف ایران* و *دنبالهٔ جستجو در تصوف ایران* از جمله دیگر آثار مهم زرین‌کوب در زمینهٔ تصوف است که در سرتاسر این آثار، خواننده، شاهد تلاش نویسنده برای بررسی و ارزیابی نقادانهٔ تصوف و عناصر آن با روش تاریخی است. چنان‌که نویسنده خود در مقدمهٔ این آثار، مشخصاً به این مطلب اذعان کرده است: «در این جستجو به‌رغم آنچه برخی از گزارشگران پرحرارت در دفاع از هرآنچه موضوع بحث آن‌هاست شیوه دارند، جای‌جای نیز هرجا کاستی و نادرستی به نظر رسیده، بازنموده آمده است» (همو، ۱۳۷۹: مقدمه).

«*دنبالهٔ جستجو* در واقع خط سیری را که *جستجو در تصوف ایران* در پیش داشت، از سر می‌گیرد و می‌کوشد تا دور از شایبهٔ هرگونه شوق و نفرت در باب این جریان فکری و رفتاری [تصوف] به شناخت و ارزیابی عینی دست یابد. از همان آغاز کار نیز، آنچه در بحث نقد صوفی به محک می‌زند، می‌تواند خواننده را به این حقیقت متوجه

سازد که اینجا هدف جستجو، رد و قبول نیست؛ مقصود بررسی ویژگی‌هایی است که پدیدهٔ تصوف را از سایر پدیده‌های فکری و شناختی مشابه یا قابل التباس متمایز می‌دارد» (همو، ۱۳۸۷: ۷).

روش خاص زرین‌کوب در دو اثر یادشده، در کتاب *ارزش میراث صوفیه* نیز به‌دقت دنبال شده است؛ تا جایی که می‌توان گفت نقد تصوف فارغ از هرگونه غرض‌ورزی و تقدس‌بخشی، یکی از ویژگی‌های شاخص این کتاب است که سرتاسر کتاب، نمودار این ویژگی است و حتی نام انتخاب‌شده برای آن ـ *ارزش میراث صوفیه* ـ در واقع براعت استهلالی بر موضوع کتاب، یعنی نقد و ارزیابی تصوف است که در این نقد و ارزیابی، نویسنده سعی کرده است به تعبیر خود، همچون یک قاضی و نه مدافع، از هرگونه جانبداری و شتاب‌زدگی، برکنار باشد و فقط به ترسیم دورنمایی از دنیای صوفیه و زشتی‌ها و زیبایی‌هایی که در آن هست، بپردازد (همو، ۱۳۷۷: مقدمه).

برای نشان دادن نمونه‌هایی از نقد عالمانه و عاری از تعصب نویسنده در کتاب *ارزش میراث صوفیه*، مباحث و عبارت‌های متعددی قابل ارجاع است که به پاره‌ای از آن اشاره می‌شود:

محقق در مبحث منشأ اجتماعی و اخلاقی تصوف، دیدگاه‌های مختلفی از اهل نظر را ذکر می‌کند و سپس با استناد به منابع تاریخی و ادبی مختلف، ضمن بیان نقاط قوّت و ضعف هر نظریه، افراط و قضاوت یک‌طرفهٔ صاحبان آن نظریه را نشان می‌دهد (نک: همان: ۱۷٤ـ۱۷۷).

«... فرضیه‌هایی نیز از این قبیل که تصوف، عکس‌العمل دماغ آریایی است در مقابل مذاهب و عقاید سامی، یا اینکه تصوف نوعی عصیان و سرکشی منفی است، در برابر مذهب و حکومت که بعضی از اهل تحقیق در این باره اظهار کرده‌اند، از مقولهٔ خیال‌بافی‌های شاعرانه است و به هر حال، این‌گونه سخنان با همهٔ فریبندگی ظاهری که دارد، امروز در دنیای علم، شوخ‌چشمی و گستاخی به نظر می‌آید و قابل دفاع نیست» (همان: ۱۳).

در باب تصوف و ارزیابی نقاط روشن و تاریک آن می‌نویسد: «...حق آن است که این میراث، کهن‌گنجی است پرمایه، اما اسرارآمیز و تا اندازه‌ای شوم. گنجی پرمایه است، درآکنده به اندیشه‌ها و آثار تازه‌ای بی‌مانند، مجموعه‌ای است اسرارآمیز از شگفت‌ترین مایه‌های انسانی. اما این میراث پرمایه، میراثی است شوم، هم برای آن‌ها که گردآورندگان این سرمایه بوده‌اند، هم برای کسانی که این میراث را یافته‌اند...» (همان: ۱۵۱؛ همچنین نک: ۱۰، ۱۵۵، ۱۶۳ و ۲۵۵).

گفتنی است که پرهیز از تقدس‌نمایی و غرض‌ورزی، حقیقت‌جویی، داشتن روحیهٔ انتقادی و رعایت اصول و بایسته‌های نقد صحیح از ویژگی‌های روشی پژوهشگران و حقیقت‌طلبان موفق است که نویسنده آن را آگاهانه برگزیده است و با همهٔ دشواری‌هایی که این روش، ممکن است برای محقق پیش آورد، خود را ملزم به رعایت آن ساخته است. چنان‌که نمود این روحیه و روش، افزون بر آثار حوزهٔ تصوف‌پژوهی در پژوهش‌های تاریخی ایشان نیز قابل مشاهده است و حتی خود در بسیاری از این آثار (مثل ویرایش دوم کتاب *دو قرن سکوت* و *تاریخ ایران*) به آن اذعان کرده است (نک: همو، ۱۳۸٤: ۱۹؛ همو، ۱۳۸۳الف: ۱۵۰).

۴ـ۱ـ۷. فهرست‌های موضوعی، اعلام و اصطلاحات

یکی از ویژگی‌های ارزشمند و تحقیقی *ارزش میراث صوفیه*، اشتمال آن بر فهرست‌های راهنمایی است که به خواننده و محقق، امکان جستجو و پیدا کردن مطلب منظور را می‌دهد. فهرست‌های مذکور عبارت‌اند از: فهرست موضوعی که در ابتدای کتاب قرار گرفته است و در ذیل آن، موضوعات کلی و جزئی بررسی‌شده در هر فصل، با ذکر شمارهٔ صفحه در آن تنظیم شده است. همچنین، چندین فهرست دیگر که در پایان کتاب قرار گرفته است و به‌ترتیب، عبارت است از: «فهرست اسامی اشخاص»، «فهرست اسامی اماکن»، «فهرست اسامی کتاب‌ها»، «فهرست قبایل، سلسله‌ها، فرق و خاندان» و در نهایت «فهرست بعضی از اصطلاحات» (نک: همو، ۱۳۷۷: ۲۹۱ـ۳۱٦). این فهرست‌ها همگام با روش‌های نوین تحقیق، برای سهولت استفاده به *ارزش میراث صوفیه* افزوده شده است تا محقق برای یافتن موضوعی

خاص، مجبور به خواندن تمام کتاب نشود.

۴ـ۱ـ۸. روش استناد به منابع و مراجع

یکی از ویژگی‌های مهم و روش‌مند این کتاب، تحقیق و تدبر در منابع معتبر دست‌اول و متون کهن و همچنین، استناد به آن است. از سوی دیگر، زرین‌کوب به همان میزان که از منابع کهن در این اثر بهره جسته، به‌علت تسلط بر زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و آلمانی، از تحقیقات روشمند اروپاییان نیز که مرتبط با مباحث مختلف عرفان است، استفاده کرده است. برای دریافت جامعیت منابع در این کتاب، می‌توان به بخش یادداشت‌ها، مراجعه و ارجاعات داده‌شده در این قسمت را ملاحظه کرد (همان: ۲۵۵ـ۲۷۱).

نکتهٔ مذکور یکی از ویژگی‌های روشمند و ارزشمند این کتاب محسوب می‌شود؛ اما در مقابل این نقطهٔ قوت، در بررسی روش زرین‌کوب در استناد به منابع و مراجع، سه ویژگی یا سه نقد که در این زمینه وارد است، مشاهده می‌شود که این سه ویژگی، فی‌نفسه، روشی غیرعلمی محسوب می‌شود:

اولین نقدی که در روش استناد *ارزش میراث صوفیه* دریافت می‌شود، ارائهٔ گزیده‌ای از مراجع به‌جای مراجع است که البته این مسئله هرچند قابل توجیه می‌تواند بود، از نگاه روش‌شناسانه، یک اشکال کلی تلقی می‌شود (نک: همان: ۲۷۲ـ۲۸۰).

نکتهٔ دوم که گاه خواننده با آن مواجه می‌شود، استناد نکردن به منبع و مأخذ، در ارائهٔ اخبار و اطلاعات است. این موضوع به‌خصوص با توجه به اینکه شیوهٔ بیان *ارزش میراث صوفیه* استنادی است، به مستند بودن کتاب آسیب می‌زند؛ برای مثال، نویسنده در بررسی فلسفهٔ عرفان هندی و عناصر اصلی این حکمت، همچون برهما، اتما، سمساره، موکته و...، بدون اشاره و استناد به منبع خاصی، به این مبحث پرداخته است (همان: ۱۷ـ۱۸). همچنین در بسیاری موارد، در مستند کردن مباحث، تنها به آوردن صورت لاتین اسامی و اصطلاحات ذکرشده در مبحث، بدون ارجاع به منبعی خاص، اکتفا کرده است (همان: ۱۹، ۲۱، ۲٤ و ۲۷).

اما سومین نقد وارد بر شیوهٔ مستندسازی نویسندهٔ کتاب *ارزش میراث صوفیه*،

رعایت نکردن اصول کتابنامه‌نویسی و یکدست‌نبودن ارجاعات است؛ برای نمونه، با مراجعه به قسمت یادداشت‌ها، مشاهده می‌شود که مراجع گاه بر اساس نام کتاب و گاه بر اساس نام مؤلف تنظیم شده و این، در حالی است که گزیدهٔ مراجع کتاب، بر اساس نام کتاب مدون شده است (نک: همان: ۲۵۵ـ۲۸۰).

۴ـ۲. نگاهی به ویژگی‌های سبکی نثر در ارزش میراث صوفیه

یکی از ویژگی‌های قابل ذکر در روش‌شناسی تحقیقات زرین‌کوب، به‌طور کلی و به‌طور خاص *ارزش میراث صوفیه*، نثر فاخر و شاخص و ارزشمندی است که استاد در این آثار به کار گرفته است؛ نثری که به‌حقیقت، معیار و الگویی مناسب برای فارسی‌نویسی و ارائهٔ تحقیق محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را «سبک نثر استاد زرین‌کوب» نامید، چنان‌که گفته‌اند: «ارتباط زنده‌یاد زرین‌کوب، با نسل بزرگی از مخاطبانش ـ حداقل از دههٔ چهل تا ماه‌های پایانی عمرـ زیباترین ارتباط کلامی بوده و نثر و کیفیت تدوین آثار وی، به مکتبی خاص در مفهوم‌نگاری مقولات ادبی، تاریخی و عرفانی ایران بدل شده است» (دهباشی، ۱۳۷۸: ۳۰).

در ادامه به برخی از ویژگی‌های سبکی نثر زرین‌کوب در این اثر تحقیقی پرداخته می‌شود. البته با اذعان به فاخر بودن نثر محقق، قابل ذکر است که طرح عنوانِ «ویژگی‌های سبکی نثر زرین‌کوب»، به‌منظور شناسایی و نقد روش نگارش ایشان انجام گرفته است و به معنای تأیید همهٔ آن ویژگی‌ها نیست؛ زیرا در نثر ایشان، گاه ویژگی‌هایی وجود دارد که به گمان ما در برخی موارد، مُخلِ فصاحت کلام شده است و ناگزیر از نقاط ضعف این کتاب محسوب می‌شود؛ برای مثال مواردی مانندِ «آوردن جملات بلند و طولانی» یا «پیچیده‌شدن کلام و دورشدن آن از روانی کلام» از جمله ویژگی‌های سبک نگارش این محقق نامدار محسوب می‌شود که قابل نقد است.

۴ـ۲ـ۱. پیوند نثر ارزش میراث صوفیه با فنون ادبی

در اصل، زبان *ارزش میراث صوفیه* زبان علمی است به این معنی که در این اثر، از زبان صریحی استفاده شده است که تعبیرهای مستقیم و ساختار منسجم و منطقی دارد و خواننده غالباً مستقیم و بدون درنگ برای دریافت معانی کلمات و تعبیرات، به

مدلول رهنمون می‌شود (برای تعریف زبان علمی نک: سمیعی گیلـانی، ۱۳۸۹: ٤٧). بـا این‌همه، گاه در نثر این کتاب، برای جاذبه بخشیدن به سخن، از آرایه‌ها و فنون مختلف ادبی استفاده شده است؛ آرایه‌هایی چـون تلمـیح، تضـاد، تشـخیص، تشـبیه، اسـتعاره، اقتباس، حل و فنون ادبی دیگری که قریحهٔ لطیف و ذوق سلیم نویسنده، آن را چاشنی نثر و سخن خویش ساخته اسـت تـا خواننـده را بـدون هـیچ ملـال و سـرگردانی، در سرتاسر این کتاب، همراه خود سازد، اما ایراد این آرایه‌ها در نثر علمی و تاریخی جای نقد و اشکال است.

«در قرنی که حلاج می‌زیست، در بغداد از در و دیوار نغمهٔ شعر و ادب بلند بـود و همهٔ طبقات از فلاسفه و اخوان‌الصفا تا اصحاب حدیث و تفسیر با شـعر و ادب سـر و کار داشتند» (همان: ١٤٠).

«آنچه این صوفیان نام‌آور را عرضهٔ قتل و آزار می‌کرد، بـی‌احتیـاطی آن‌هـا بـود، در افشای آنچه اسرار صوفیه به شمار می‌آمد و از این طایفه، هرکس که "از او گشت سـر دار بلند"، "جرمش این بود که اسرار هویدا مـی‌کـرد"» (همـان: ١٦٩؛ و بـرای ملاحظـهٔ نمونه‌های بیشتری از نثر آهنگین و سرشار از ملاحت و تلمیح زرین‌کوب نـک: همـان: ٣٥، ٤١، ٥٧، ٩١، ١٠٢، ١٣٦ و ١٦٧).

۴ـ۲ـ۲. جملات بلند و طولانی و معترضه

یکی از ویژگی‌های سبکی، در نثر *ارزش میراث صـوفیه*، اسـتفاده از جملـات طولـانی است. جملات پایه و پیرو تودرتو، استفاده از جملـات معترضـه بـا بسـامد بسـیار بالـا، استفاده از قیود و صـفات مختلـف (در انـواع سـاده، مرکـب و عبـارت‌هـای قیـدی و وصفی)، استفادهٔ مکرر از واژگان مترادف، کاربرد عبارت‌ها و جملات عطفی و تفسیری و... هریک از ویژگی‌های سبکی نثر زرین‌کوب است که البته ایـن ویژگـی‌هـا خـود از عوامل اصلی طولانی شدن جملات وی نیز محسوب می‌شود که گاه نیز همـین مسـئله باعث شده است که در فهم مخاطب خلل وارد شود و یا مخاطب مجبور شود که برای فهم بهتر، چند بار به اول مطلب بازگردد و آن را بازخوانی کند: «... و از همین روسـت که بعضی از صوفیه، وقتی در مجلسی سخن از "حدثنا" و "اخبرنا" که شیوهٔ اهل حدیث

بود می‌شنیدند، برمی‌آشفتند و فریاد می‌زدند که "تا چند از این حدثنا و اخبرنا؟ یک تن نیست که سخن از حدثنی قلبی عن ربی بگوید؟" ... و آنجا که صوفیه، علم خویش را ورای علم اهل مدرسه می‌دیده‌اند و دفتر خویش را از سواد و حرف عاری می‌شمرده‌اند، اینجاست و این‌همه، از اسرار صوفیه به شمار می‌آید» (همان: ۱٦۷؛ همچنین برای ملاحظهٔ نمونه‌های بیشتر، نک: همان: ۳۵، ٤۱ و ۱۰٦).

این ویژگی گاه منجر به ایجاد تعقید و دوری از روانی کلام و سادگی بیان شده است و از همین رو، خواننده در مواجهه با این قسمت‌های متن، ناگریز می‌گردد تا برای دریافت مطلب، آن را با تأمل و صرف وقت و حوصلهٔ بیشتری بخواند؛ برای نمونه، تأثیر مخرب مواردی چون طولانی کردن جملات، پی‌درپی آوردن جملات پایه و پیرو و... در بندهای زیر ملاحظه می‌شود:

«منشأ طریقهٔ صوفیه، به یک معنی هم حاجت درونی انسان است که می‌خواهد با مبدأ وجود و معبود خویش، رابطهٔ مستقیم پیدا کند. رابطه‌ای که دوسری باشد و خدا و انسان را با رشتهٔ دوجانبه‌ای به هم بپیوندد. این رابطه در حقیقت ملجأی است که تا انسان از محدودیت‌ها و تقیدهایی که شریعت متکلمان پدید آورده است و او را به‌کلی از خدای خویش جدا می‌سازد، برهد و در پناه آن جای بگیرد» (همان: ۳۰).

«صوفیه هم با آنکه بنای کارشان بر مجاهدت‌های فردی است و هریک از آن‌ها می‌کوشد تا به قول معروف، گلیم خویش از موج به در برد، تدریجاً به‌سبب تجاذب معنوی و برای اینکه در مقابل هجوم مخالفان تنها نمانند، جماعت‌های برادری و فرقه‌های خاص اخوت درست کرده‌اند و در برابر مسجد و مدرسه که پناهگاه متشرعه و فقها بوده است، آن‌ها نیز برای خویش، زاویه و خانقاه ساخته‌اند و...» (همان: ۳۵).

«این معرفت، شرط حصولش کشف است و وجد و اشراقات قلبی و باطنی. حق که جز او هیچ چیز دیگر نیست، گذشته از جلال و عظمت، صاحب کمال و جمال است و البته برای دریافت جمال و نیل بدان، اگر هیچ راه هست، راه عشق است نه راه عقل. ازاین‌روست که...» (همان: ۳۰).

۴ـ۲ـ۳. کاربرد اسلوب استفهام

یکی دیگر از مختصات سبکی *ارزش میراث صوفیه*، بسامد بالای جملات پرسشی است. نویسندهٔ این کتاب در موارد متعددی، برای طرح مسائل مبهم پژوهش، بیان موضوع، برانگیختن حس جستجوگری و تأمل مخاطب برای یافتن حقیقت و...، از راهکار طرح پرسش‌های بلاغی بهره برده است. همچنین در نمونه‌هایی نیز در پایان بحث، با طرح پرسش‌ها و فرضیه‌هایی در زمینهٔ موضوع بررسی‌شده، به خوانندگان و پژوهشگران به‌گونه‌ای غیرمستقیم، موضوعاتی را که نیازمند تحقیق است، پیشنهاد می‌دهد. در زیر به چند نمونه، از کارکرد اسلوب استفهام، در کتاب حاضر اشاره می‌شود:

«آیا این‌گونه احادیث که در مجموعه‌های حدیث نظایر بسیار دارد، نمی‌تواند دستاویزی باشد برای مسلمانانی که محبت حق را نقطهٔ اتکای خویش می‌کرده‌اند و برای نیل به وصال او بیرون از راه بحث و درس به ریاضت و تفکر می‌پرداخته‌اند» (همان: ۳۷)؟

«در هر حال قلندران، صورت تازه‌ای از ملامتیه بوده‌اند، لیکن با آن‌ها از بعضی جهات نیز تفاوت داشته‌اند. اما ملامتیه چه کسانی بوده‌اند» (همان: ۸٦)؟

«اما البته در اینجا طبعاً این سؤال پیش می‌آید که پس حدوث کاینات عالم که ناچار محسوس و مشهود است و آن را به هیچ وجه انکار نمی‌توان کرد، چگونه است» (همان: ۱۱۹؛ همچنین نک: همان: ۲۸، ٦۳ـ٦٤، ۱۲۳، ۱۲۵ و ۱٤۸)؟

۵. نتیجه‌گیری

نتایج مقالهٔ حاضر عبارت است از:

۵ـ۱. در قیاس با آثار کشکولی و تألیفی، روشمندی، اشتمال بر دیدگاه‌های اصولی و استفاده از رویکردهای تحلیلی، انتقادی، استنادی و... (به‌جای اتخاذ صرف رویکرد توصیف و جمع‌آوری اطلاعات)، از نکات قوت کتاب *ارزش میراث صوفیه* ارزیابی می‌شود که همین امر موجب شده است تا این کتاب، ضعف نظری نداشته باشد و حضور نویسنده، با دیدگاه‌های مستقل، برای استنتاج رأی صحیح، از میان آراء مختلف

مطرح‌شده، به شکل محسوسی قابل دریافت باشد.

۵ـ۲. روش‌های پژوهشی و همچنین ویژگی‌های شاخص کتاب *ارزش میراث صوفیه*، ذیل دو محور «روش‌های پژوهشی» و «ویژگی‌های سبکی و شیوهٔ بیان» قابل ارزیابی است. بهره‌گیری از روش‌های تاریخی، پردازش اطلاعات و نظریه‌پردازی، روش استدلالی و کشف علت‌ها، روش استنادی، نقد و ارزیابی اسناد، حقیقت‌جویی و پرهیز ازتعصب، درج فهرست‌های موضوعی و اعلام، تنوع منابع، پیوند نثر با فنون ادبی و کاربرد اسلوب استفهام از نقاط قوت کتاب است.

۵ـ۳. در این میان «ارائهٔ گزیدهٔ مراجع»، «مستند نساختن و یکدست نبودن روش کتاب‌نامه‌نویسی»، «استفاده از جملات بلند و طولانی» و «تعقید و ضعف تألیف» ــ در عین فخامت و استحکام نثرـ از نقاط ضعف کتاب به شمار می‌آید.

۵ـ٤. نقد روش‌شناسی کتاب *ارزش میراث صوفیه* و بررسی کارآمدی رویکردهای اتخاذشده، در این کتاب، ناقد را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که به‌رغم وجود برخی کاستی‌های روشمند در این کتاب، روش تحقیق و حقیقت‌یابی استاد زرین‌کوب، می‌تواند، به‌عنوان الگویی علمی، شایسته و کارآمد برای دانشجویان و محققان معرفی شود، تا جایگزین روش‌های غیرعلمی و سلیقه‌ای گردد.

منابع

– ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۵۹)، *مقدمه*، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، چ٤، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

– اصغرپور، داود (۱۳۸۵)، «کتاب‌شناسی روش تحقیق و روش‌شناسی علوم انسانی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شمارهٔ ٤٨، ١٥٥ـ١٦٨.

– ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*، چ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

– بیکر، ترزال (۱۳۷۷)، *نحوهٔ انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمهٔ هوشنگ نایبی، تهران: روشن.

– داودنیا، اعظم (۱۳۹۳)، *روش‌شناسی تفسیر الواضح*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

– دهباشی، علی (۱۳۷۸)، «کارنامهٔ زرین»، *بخارا*، شمارهٔ ۷، ۲۹ـ۳۱.

– رضانژاد (نوشین)، غلامرضا (۱۳۵۵ الف)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٤٥ (آذر)، ۷۹۸ـ۸۰۳.

– ـــــــ (۱۳۵۵ ب)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٤٦ (دی)، ۸۸۰ـ۸۸۳.

– ـــــــ (۱۳۵٦ الف)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٤٩ (فروردین)، ۷۹ـ۸۳.

– ـــــــ (۱۳۵٦ ب)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٥٠ (اردیبهشت)، ١٦٦ـ١٧١.

– ـــــــ (۱۳۵٦ پ)، «ارزش میراث صوفیه»ع گوهر، شمارهٔ ٥٦ (آبان)، ٦٣٨ـ٦٤٣.

– ـــــــ (۱۳۵٦ ت)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٥٧ (آذر)، ٧١٨ـ٧٢٢.

– ـــــــ (۱۳۵٦ ث)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٥٨ (دی)، ٨٠٣ـ٨٠٧.

– ـــــــ (۱۳۵٦ ج)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٥٩ و ٦٠ (بهمن و اسفند)، ٩٣١ـ٩٣٥.

– ـــــــ (۱۳۵۷ الف)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٦٣ (خرداد)، ٢٥٤ـ٢٥٦.

– ـــــــ (۱۳۵۷ ب)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٦٤ (تیر)، ٣٣٣ـ٣٣٦.

– ـــــــ (۱۳۵۷ پ)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٦٧ (مهر)، ٥٦٤ـ٥٦٧.

– ـــــــ (۱۳۵۷ ت)، «ارزش میراث صوفیه»، گوهر، شمارهٔ ٦٨ (آبان)، ٦٤٣ـ٦٤٩.

– ـ زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۳۲الف)، «روش‌های علمی در نقد آثار ادبی»، *یغما*، شمارهٔ ٦١ (تیرماه)، ١٤٤ـ١٤٨.

– ـــــــ (۱۳۳۲ب)، «روش‌های علمی در نقد آثار ادبی»، *یغما*، شمارهٔ ٦١ (مردادماه)، ١٨٦ـ ٢١٢.

– ـــــــــ (۱۳۳٦الف)، «روش‌های علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، *یغما*، شمارهٔ ۱۱۰ (شهریورماه)، ۲۵۹ـ ۲٦٤.

– ـــــــــ (۱۳۳٦ب)، «روش‌های علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، یغما، شمارهٔ ۱۱۱ (مهرماه)، ۳۱۰ـ ۳۱٤.

– ـــــــــ (۱۳۳۷)، «تحقیق درست»، *سخن*، دورهٔ نهم، شمارهٔ ۵ (مردادماه)، ٤۰۹ـ٤۱٦.

– ـــــــــ (۱۳۷۵)، *تاریخ در ترازو*، چ٤، تهران: امیرکبیر.

– ـــــــــ (۱۳۷۷)، *ارزش میراث صوفیه*، چ۸، تهران: امیرکبیر.

– ـــــــــ (۱۳۷۹)، *جستجو در تصوف ایران*، چ٦، تهران: امیرکبیر.

– ـــــــــ (۱۳۸۳الف)، *تاریخ ایران (بعد از اسلام)*، چ۱۰، تهران: امیرکبیر.

– ـــــــــ (۱۳۸۳ب)، *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن*، ترجمهٔ مجدالدین کیوانی، تهران: سخن.

– ـــــــــ (۱۳۸٤)، *دو قرن سکوت*، چ۲۰، تهران: سخن.

– ـــــــــ (۱۳۸۷)، دنبالهٔ *جستجو در تصوف ایران*، چ۷، تهران: امیرکبیر.

– ـ ساروخانی باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، چ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

– ـ سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۹)، *نگارش و ویرایش*، چ۱۱، تهران: سمت.

– ـ شاله، فلیسین (۱۳٤٦)، *شناخت روش علوم یا فلسفهٔ علمی*، ترجمهٔ یحیی مهدوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– ـ غلامی‌نژاد، محمدعلی و قبول، احسان (۱۳۸٦)، «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی». *پژوهش‌های ادب عرفانی*، شمارهٔ ۱، ۱۸۱ـ۱۹۲.

– ـ فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۸۹)، *آیین نگارش مقالهٔ پژوهشی*، چ۵، تهران: سخن.

– ـ فخاری، علیرضا (۱۳۹۲) «روش‌شناسی تفسیری امام رضا(ع)»، *سراج منیر*، سال سوم، شمارهٔ ۱۱، ۲۵ـ٤۲.

– ـ فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۱)، «ضرورت‌های پژوهش در مطالعات دینی»، *حدیث اندیشه*، شمارهٔ ۳ و ٤، ۱۱۷ـ۱٤٤.

– ـــــــــ (۱۳۸۵)، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد: دانشگاه علوم انسانی رضوی.

– قبول، احسان (۱۳۹۰)، «روش‌شناسی پژوهش‌های ادبی»، پایان‌نامهٔ دکترای تخصصی، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

– قیومزاده، محمود (۱۳۹۱)، «بررسی و تبیین روش‌شناسی مکتب کلامی ماتریدی»، *آینهٔ معرفت*، شمارهٔ ۳۱، ۱۱۹ـ۱۳۷.

– کومبز، فیلیپ (۱۳۷۳)، *بحران جهانی تعلیم و تربیت*، ترجمهٔ فرید آل آقا، چ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

– ناشناس (۱۳۸۷)، «فهرست مقالات منتشرشده در باب روش‌شناسی علوم انسانی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شمارهٔ ۵۷، ۱۶۷ـ۱۷۲.